

نتیجه رسید که اگرچه قیمت نفت اثری بر بیکاری ندارد اما بر نرخ بیکاری تعادلی اثرگذار است و افزایش قیمت نفت تأثیر قوی تر و آسیب رساتری بر نرخ بیکاری تعادلی نسبت به کاهش قیمت نفت دارد. باستانیان، کونتی و مانرا<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در مطالعه شان اثر تغییرات قیمت نفت بر نوسانات بازار سهام در کشورهای G7 را ارزیابی کردند. نصیر (۲۰۱۶) چگونگی اثرگذاری شوک قیمت نفت بر GDP کشورهای GCC را مورد مطالعه قرار داد. نصیر و الخسانه<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) به بررسی اثر تغییرات قیمت نفت بر بازده بورس سهام در کشورهای GCC پرداختند. وی و گو<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) اثرگذاری شوک های قیمت نفت را بر بازار سهام چین مورد مطالعه قرار دادند. گنگ و لین<sup>۴</sup> (۲۰۱۸) اثرات شوک های عرضه و تقاضای نفت را بر تولید و تورم در کشور چین بررسی کردند. یواندیس<sup>۵</sup> و کا (۲۰۱۸) به مطالعه اثر شوک های قیمت نفت بر ساختار نرخ بهره در امریکا، کانادا، نروژ و کره شمالی پرداختند. لوراسو و پیرونی<sup>۶</sup> (۲۰۱۸) اثر شوک قیمت نفت بر تورم در انگلیس را مطالعه کردند. به همین ترتیب گوستاز و اوردونز<sup>۷</sup> (۲۰۱۸) اثرات شوک های قیمت نفت بر بیکاری را بصورت نامتقارن در کشور انگلیس مورد مطالعه قرار دادند. آن ها بین شوک مثبت و منفی قیمت نفت تفاوت قائل شدند و آن ها را تفکیک کردند. با استفاده از مدل SVAR دریافتند که شوک مثبت قیمت نفت تا پیش از بحران مالی ۲۰۰۷ اثرات بیشتری نسبت به شوک های منفی داشته است و این شوک های منفی پس از بحران به پایین نگه داشتن نرخ بیکاری کمک کرده است. کوستاز و گیل-آلانا<sup>۸</sup> (۲۰۱۸) از مدل NARDL برای بررسی اثرات تغییرات قیمت نفت بر بیکاری در اروپای شرقی و مرکزی استفاده کردند. اگرچه آن ها نتایج

- 
1. Bastianin, Conti & Manera
  2. Nusair & Al-Khasawneh
  3. Wei & Guo
  4. Gong & Lin
  5. Ioannidis & Ka
  6. Lorusso & Pieroni
  7. Cuestas & Ordenez
  8. Costas and Gil-Alana